

به نام پروردگار مهربان

جمع‌بندی

عربی

عمومی و اختصاصی

مرور و جمع‌بندی کنکور در ۲۴ ساعت

• مهران ترکمان



مهروماه

مقدمه

یزدان پاک را سپاس می‌گوییم که بار دیگر توفیقمان داد تا با تألیف کتابی در خدمت شما بزرگواران باشیم. آنچه پیش‌روی شماست کتاب جمع‌بندی عربی کنکور انسانی (عمومی و اختصاصی) می‌باشد که به دلیل نیاز داوطلبان این رشته به یک منبع برای جمع‌بندی به رشته تحریر در آمده است، امید است که با این کتاب گامی هرچند کوچک در راستای موفقیتان برداشته باشیم.

قبل از هر چیز بدانید که

بودجه‌بندی عربی عمومی و اختصاصی در کنکور سراسری انسانی به شکل زیر است:

موضوع	ترجمه	تعریب	مفهوم	درک مطلب	التشکیل (اعراب‌گذاری)	الاعراب و التحلیل الصرفی (تجزیه و ترکیب)	قواعد	مجموع
تعداد سؤال در عربی عمومی	۵	۲	۱	۴	۲	۳	۸	۲۵
تعداد سؤال در عربی اختصاصی	۳	۲	۱	-	۲	۲	۱۰	۲۰

✓ عربی عمومی (+ ضریب ۲، کتاب سال دوم و سوم، ۲۵ سؤال)

✓ عربی اختصاصی (+ ضریب ۱۲ (برای رشته‌ی حقوق)، کتاب سال چهارم، ۲۰ سؤال)

داوطلبان گرامی توجه کنید که بیش از ۸۰٪ مطالب در عربی عمومی و اختصاصی مشترک است؛ پس با مطالعه‌ی هر بخش می‌توانید به سوالات بخش دیگر هم پاسخ دهید.

✓ درس‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ عربی ۳ در قسمت عربی اختصاصی قرار می‌گیرند؛ یعنی در این بخش از آن‌ها سؤال طرح می‌شود. (معمولاً سالانه ۲ سؤال را به خود اختصاص می‌دهند).

درباره‌ی کتاب

به‌طور کلی این مجموعه دارای قسمت‌های مختلفی است که مختصراً به معرفی هریک می‌پردازیم و نکات مهم در مورد هر بخش را بیان می‌داریم.

① **درسنامه:** هر بخش با درسنامه شروع می‌شود که فشرده و در عین حال جامع می‌باشد، در این قسمت سعی کرده‌ایم از آموزش نموداری و مفهومی جهت یادآوری مطالب استفاده کنیم.

② **تست:** در هر بخش بعد از درسنامه، تمامی تست‌های کنکور سراسری انسانی به همراه تست‌های برگزیده‌ی سایر رشته‌ها، کنکورهای خارج از کشور، کنکورهای آزمایشی سنجش و ... را تا سال ۹۵ آورده‌ایم.

③ **تفکیک و بررسی سرفصل‌های کنکور:** برای تمام موضوعاتی که در کنکور سراسری از آن سؤال طرح می‌شود، درسنامه، تست، متد آموزشی و ...، به صورت جداگانه در نظر گرفته‌ایم مثلاً برای بخش ترجمه و تعریب و اعراب‌گذاری قسمت‌های مختلفی آورده‌ایم و در آن قسمت‌ها به بررسی دقیق نوع سوالات، تعداد آن‌ها، نحوه‌ی پاسخ‌گویی و ... پرداخته‌ایم.


④ **آزمون‌های جامع:** این بخش شامل آزمون‌های رشته‌ی انسانی در ۹۴ و ۹۵ است که دربرگیرنده‌ی سوالات داخل و خارج از کشور می‌شود (مجموعاً ۸ آزمون).


⑤ **عربی در یک نگاه:** برای جمع‌بندی نهایی، مطالب مهم عربی عمومی و اختصاصی و تقسیم‌بندی‌های مطرح در آن به وسیله‌ی نمودار آورده شده است که می‌تواند آخرین قدم شما باشد. (۲ روز آخر)


چه کسانی می‌توانند از این کتاب استفاده کنند؟

این مجموعه مخصوص داوطلبان کنکور علوم انسانی نگاشته شده است اما کلیه‌ی داوطلبان سایر رشته‌ها نیز می‌توانند از بخش‌های مختلف این کتاب استفاده نمایند؛ زیرا تمامی مباحث عربی عمومی هم در این کتاب آورده

شده است. هم‌چنین تست‌های مهم کنکورهای رشته‌های ریاضی، تجربی و... برای تمرین بیش‌تر آمده است.
علائم به کار رفته در کتاب

 دام‌های آموزشی، توجه، تذکر

 سؤال‌هایی که غالباً داوطلبان درباره‌ی برخی مباحث در ذهنشان شکل می‌گیرد.

 نکته‌ی آموزشی

 یادآوری

 توصیه، مشاوره و تیپ‌شناسی سوالات برای مبحث

سپاس

برای آماده‌سازی این کتاب افراد بسیاری تلاش کرده‌اند؛ لذا پس از تشکر از پدر و مادر عزیزم و آرزوی سلامتی برای ایشان تشکر می‌کنم از:

- جناب آقای احمد اختیاری مدیر محترم انتشارات مهروماه

- اساتید گرانقدر، آقایان اشرفی مهابادی، جلادتی، حکمت‌اندیش، دانشیان، قدیمی، محرابی‌فر، ناصح‌زاده، نقده دوز طهرانی، همایی و دوست عزیزم جناب آقای شیخ بهایی که با نظرات خود ما را در ارتقای سطح علمی این کتاب یاری نمودند.

- سرکار خانم مریم آقایاری و منیژه خسروی که با دقت تمام مجموعه‌ی حاضر را بررسی و ویرایش نمودند.
- سرکار خانم میترا شیرازی رتبه‌ی ۴۰ کشوری کنکور سراسری ۹۰ که بارها و بارها کتاب‌های جمع‌بندی علوم انسانی را بررسی و مطالعه نمودند و ما را از نظرات خود بهره‌مند گرداندند.

- سرکار خانم مهشید ابوالحسنی و جناب آقای علی‌احمد زمانی حروف‌چین

- سرکار خانم فریده گل‌محمدی و زهرا حیدریان که با زحمات آن‌ها بستر تألیف این کتاب هموارتر شد.
- سرکار خانم الهه اسمعیل‌آبادی و فرزانه قنبری در واحد روابط عمومی

- جناب آقای عباس گودرزی مدیر واحد فروش که این کتاب را به دست شما خواهند رساند.

- جناب آقای ابوالفضل ترکمانی رتبه ۱۴ کشوری کنکور سراسری که مجموعه‌ی حاضر را ویرایش نمودند.
- تشکر آخر از دوست و همکار عزیزم، جناب آقای مهندس مهداد اسلامی درخشان است که با نظرات و بررسی‌های کارشناسانه‌ی خود، ما را در غنی ساختن مجموعه‌ی حاضر یاری نمودند.

کلام آخر

در پایان از تمام استادان، صاحب‌نظران، دانشجویان و دانش‌آموزان گرامی صمیمانه درخواست می‌کنیم که نظرات و پیشنهادهای خود و هم‌چنین ایرادات و نقایص کار را برای ارتقاء سطح کیفی این مجموعه اعلام نمایند، که «الإنسان محلُّ السُّهُوِ وَ النَّسیانِ»
فردا از آن شباست ...

مهران ترکمان

ارائه‌ی نظرات و پیشنهادات در مورد این کتاب با پیامک به شماره‌ی ۳۰۰۰۷۲۱۲۰

پست الکترونیکی: mehran_t_2010@yahoo.com

سایت شخصی مؤلف: mehran-torkaman.ir

فهرست

۱۸۲	منادا
۱۹۰	مستثنی
۱۹۹	مدح و ذم
۲۰۳	اسلوب تعجب
۲۰۸	اسالیب جمله

بلاغت

۲۱۱	معانی (تأکید و انحصار)
۲۱۷	بیان (تشبیه)
۲۲۴	بدیع (جناس، سجع، طباق)

معنا

۲۳۳	ترجمه و تعریب
۳۱۱	مفهوم
۳۲۰	درک مطلب

تجزیه و ترکیب

۳۵۳	اعراب گذاری (التشکیل)
۳۷۱	تجزیه و ترکیب (الاعراب و التحلیل الصرفی)

آزمون‌های جامع

۳۹۲	آزمون جامع ۱
۳۹۸	آزمون جامع ۲
۴۰۵	آزمون جامع ۳
۴۱۲	آزمون جامع ۴

۴۲۰	عربی در یک نگاه
-----	-----------------

۷	یادآوری
---	---------

اسم

۱۳	علامت‌های شناخت اسم
۱۳	مذکر و مؤنث
۱۶	مفرد، مثنی و جمع
۱۸	جامد و مشتق
۲۵	معرفه و نکره
۳۲	منصرف و غیرمنصرف
۳۵	معرب و مبنی

فعل

۳۹	معتلات و اعلال
۵۸	فعل مهموز و مضاعف

اعراب

۶۴	انواع اعراب (ظاهری، محلی، تقدیری)
۷۲	اعراب فعل مضارع
۸۵	معلوم و مجهول
۹۳	جمله‌ی اسمیه و فعلیه (عوامل مفعول‌به، اغراء و تحذیر)

۱۰۷	نواسخ
۱۱۹	وصف و اضافه
۱۲۹	توابع
۱۳۷	اعداد
۱۴۱	نسبت و تصغیر

منصوبات

۱۴۶	مفعول مطلق
۱۵۴	مفعول له
۱۵۸	مفعول فیه
۱۶۴	حال
۱۷۴	تمیز

نکات

۱ برای تشخیص جامد و مشتق بودن یک کلمه‌ی جمع باید به صورت مفرد آن توجه نماییم.

حُکام: جمع «حاکم» است □ مشتق و اسم فاعل
مَدارس: جمع «مَدْرَسَة» است □ مشتق و اسم مکان
کِرَام: جمع «کریم» است □ مشتق و صفت مشبیه
أعداء: جمع «عدو» است □ مشتق و صفت مشبیه

سؤال: وزن «فَعیل» و «فَعول» بین صفت مشبیه و اسم مبالغه مشترک است. از چه طریقی باید نوع مشتق در چنین کلماتی را تشخیص دهیم؟

پاسخ: اگر کلمه‌ی مورد نظر بر وزن «فاعل» دارای کاربرد و معنی باشد، اسم مبالغه می‌باشد.
سَلیم □ «سالم» معنی و کاربرد دارد، لذا «سَلیم» اسم مبالغه است.
وَلی اگر کلمه‌ی مورد نظر بر وزن «فاعل» دارای معنی و کاربرد نباشد، صفت مشبیه می‌باشد.
کَریم □ «کارم» دارای معنی و کاربرد نیست، بنابراین «کریم» صفت مشبیه است.

نمونه‌ای دشوار

حکیم: پزشک، دانا □ حاکم: فرمانروا □ معنا مختلف است^۱ □ پس «حکیم» صفت مشبیه می‌باشد.

۲ کلمات «رَبَّ»، «حُرَّ»، «حُلُو» (شیرین) و «مُرَّ» (تلخ) مشتق و صفت مشبیه هستند.

۳ وزن «أفعل» اگر بر رنگ یا عیب دلالت کند، «صفت مشبیه» است. در غیر این صورت «اسم تفضیل» می‌باشد.

أبيض: سفید □ دلالت بر رنگ □ صفت مشبیه است.

أعرج: لنگ □ دلالت بر عیب □ صفت مشبیه است.

۴ رنگ‌ها و عیب‌ها

مذکر	مؤنث	معنی	مذکر	مؤنث	معنی
أخضر	خضراء	سبز	أغوج	عوجاء	یک چشم
أحمر	حمراء	قرمز	أعرج	عرجاء	لنگ
أبيض	بيضاء	سفید	أحمق	حمقاء	نادان
أصفر	صفراء	زرد	أعمى	عمياء	کور
أزرق	زرقاء	آبی	أصم	صماء	کر
أسود	سوداء	سیاه	أبكم	بكماء	لال
أسمر	سمراء	گندم‌گون	أبله	بلهاء	دیوانه

وزن «أفعل» برای مذکر و وزن «فَعلاء» برای مؤنث به کار می‌رود.

۱. پس در این حالت نباید معنا عوض شود.



نوع	معنا	معرفه یا نکره	جایگاه و کاربرد
موصول	چیزی که، چیزهایی که	معرفه	معمولاً وسط جمله وصل کننده‌ی دو عبارت به هم
استفهام	چه چیزی؟، چه چیزهایی؟	نکره	ابتدای جمله - سؤال از چیزی
شرط (جازمه) (عامله)	هر چه	نکره	ابتدای جمله، بعد از آن دو فرمول زیر می‌آید: فعل + فعل / فعل + ف + جمله‌ی جدید
نافیه	نـ	— (حرف است)	منفی کننده‌ی فعل ماضی (قبل از فعل ماضی)
کافه (مانند: إنما)	فقط	— (حرف است)	به حروف مشبّهه بالفعل می‌چسبد.
تعجّیه	عجب، چقدر	نکره	قبل از صیغه‌ی تعجب

ما

۴ اسم علم دارای ۲ تقسیم‌بندی است: ۱ از نظر کنیه یا لقب بودن ۲ از نظر مفرد یا مرکب بودن
کنیه: یک ترکیب اضافی است که مضاف آن کلمه‌ی «أب» یا «أم» است و مضاف‌الیه آن یک اسم ظاهر
می‌باشد. أبوطالب - أم البنین - أبو صالح - أبوصالح

لقب: بیانگر صفات پسندیده یا مذموم یک فرد است که ممکن است از یک کلمه یا از ۲ کلمه تشکیل
شده باشد. زین العابدین - سجاد - حمالة الخطب - أسدالله - صادق

علم مفرد: اسم علمی که از یک کلمه تشکیل شده است ☐ سعید - علی - زینب - مریم

علم مرکب: اسم علمی که از بیش از یک کلمه تشکیل شده است (معمولاً ۲ کلمه)؛ علم مرکب ممکن
است کنیه یا لقب باشد و ممکن است هیچ کدام از آن ۲ نباشد.

أبو الفضل ☐ علم مرکب است، کنیه هم می‌باشد.

حمالة الخطب ☐ علم مرکب است، لقب هم می‌باشد.

عبدالله ☐ علم مرکب است، اما کنیه و لقب نیست.

بنابراین یک کلمه می‌تواند از دو جهت فوق تقسیم شود.

مثلاً: سجاد از نظر تقسیم‌بندی اول «لقب» است و از نظر تقسیم‌بندی دوم «مفرد» می‌باشد.

۵ به جمله یا شبه جمله‌ای که بعد موصول می‌آید صله‌ی موصول گفته می‌شود.

الرجل الذی جاء صدیقی. / هو الذی فی البیت.

صله از نوع جمله است. صله از نوع شبه جمله است.

۶ ضمیر عائد: به ضمیری که در صله‌ی موصول است و مرجع آن اسم موصول می‌باشد گفته می‌شود.

أنت الذی أرسلت الرزق / هی الّتی جعلت لکم الخیر

ضمیر «ت» بارز عائد صله می‌باشد. ضمیر «هی» مستتر عائد صله می‌باشد.
صله‌ی موصول است. صله‌ی موصول است.

به صرف فعل معتل مثال در باب «إفعال» توجه کنید.



ماضی	مضارع	امر	مصدر
أَوْجَزَ	يُوجِزُ	أَوْجِزْ	إيجاز

✓ در مصدر حرف «و» تبدیل به «ی» می‌شود. (اعلال قلب) ✓ در مضارع، بدون اعلال است.

اجوف: برای جمع‌بندی مبحث فعل معتل اجوف همان‌گونه که کتاب درسی در قسمت ملحقات بیان نموده، بهترین راه این است که این نوع فعل را به سه دسته تقسیم کنیم و افعال اجوف را بر اساس آن الگوها صرف نماییم.

۱ افعال اجوف «واوی» که مانند «قال، يقول^۱» صرف می‌شوند.

قام، مات، فاز، عاد، تاب، ذاق و ...

۲ افعال اجوف «یایی» که مانند «باع، يبيع^۲» صرف می‌شوند.

سال، صار، صاح، لاق، سار و ...

۳ افعال اجوفی که مانند «خاف، يخاف^۳» صرف می‌شوند، دقت کنید که این افعال ممکن است

اجوف واوی باشند یا اجوف یایی.

نام (نوم)، نال (نیل)، شاء (ش ی ء)، کاد (ک و د) و ...

اکنون به جدول تصریف این افعال توجه نموده و سپس نکات مربوط به آن‌ها را مطالعه کنید:

الگوی «قال»، اجوف واوی

ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	امر مخاطب	مضارع منصوب	مضارع مجزوم
قال	قيل	يقول	يقال		لن يقول	لم يقل
قالا	قيلا	يقولان	يقالان		لن يقولوا	لم يقولوا
قالوا	قولوا	يقولون	يقالون		لن يقولوا	لم يقولوا
قالت	قيلت	تقول	تقال		لن تقول	لم تقل
قالتا	قيلتا	تقولان	تقالان		لن تقولوا	لم تقولوا
قلن	قلن	يقلن	يقلن		لن يقلن	لم يقلن
قلت	قلت	تقول	تقال	قل	لن تقول	لم تقل
قلتما	قلتما	تقولان	تقالان	قولوا	لن تقولوا	لم تقولوا
قلتم	قلتم	تقولون	تقالون	قولوا	لن تقولوا	لم تقولوا
قلت	قلت	تقولين	تقالين	قولي	لن تقولين	لم تقولين
قلتما	قلتما	تقولان	تقالان	قولوا	لن تقولوا	لم تقولوا
قلتن	قلتن	تقلن	تقلن	قلن	لن يقلن	لم يقلن
قلت	قلت	أقول	أقال		لن أقول	لم أقول
قلنا	قلنا	نقول	نقال		لن نقول	لم نقل

۱. مضارع این افعال بر وزن «يُفَعِّلُ» صرف می‌شود.

۲. مضارع این دسته افعال بر وزن «يُفَعِّلُ» می‌آید.

۳. مضارع این افعال بر وزن «يُفَعِّلُ» است.



الگوی «باع»، احواف یایی

ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	امر مخاطب	مضارع منصوب	مضارع مجزوم
باع	بیع	یبیع	یباع		لن یبیع	لم یبع
باعا	بیعا	یبیعان	یباعان		لن یبیعا	لم یبیعا
باعوا	بیعوا	یبیعون	یباعون		لن یبیعوا	لم یبیعوا
باعث	بیعث	تبیع	تباع		لن تبیع	لم تبع
باعتا	بیعتا	تبیعان	تباعان		لن تبیعا	لم تبیعا
بعن	بعن	یبیعن	یبیعن		لن یبیعن	لم یبیعن
بعث	بعث	تبیع	تباع	بع	لن تبیع	لم تبع
بعثما	بعثما	تبیعان	تباعان	بیعا	لن تبیعا	لم تبیعا
بعثم	بعثم	تبیعون	تباعون	بیعوا	لن تبیعوا	لم تبیعوا
بعث	بعث	تبیعین	تباعین	بیعی	لن تبیعی	لم تبیعی
بعثما	بعثما	تبیعان	تباعان	بیعا	لن تبیعا	لم تبیعا
بعثن	بعثن	تبیعن	تباعن	بعن	لن تبیعن	لم تبیعن
بعث	بعث	أبیع	أباع		لن أبیع	لم أبع
بعنا	بعنا	نبیع	نباع		لن نبیع	لم نبع

الگوی «فاف»

ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	امر مخاطب	مضارع منصوب	مضارع مجزوم
خاف	خيف	یخاف	یخاف		لن یخاف	لم یخف
خافا	خيفا	یخافان	یخافان		لن یخافا	لم یخافا
خافوا	خیفوا	یخافون	یخافون		لن یخافوا	لم یخافوا
خافت	خيفت	تخاف	تخاف		لن تخاف	لم تخف
خافتا	خيفتا	تخافان	تخافان		لن تخافا	لم تخافا
خفن	خفن	یخفن	یخفن		لن یخفن	لم یخفن
خفت	خفت	تخاف	تخاف	خف	لن تخاف	لم تخف
خفتما	خفتما	تخافان	تخافان	خافا	لن تخافا	لم تخافا
خفتم	خفتم	تخافون	تخافون	خافوا	لن تخافوا	لم تخافوا
خفت	خفت	تخافین	تخافین	خافی	لن تخافی	لم تخافی
خفتما	خفتما	تخافان	تخافان	خافا	لن تخافا	لم تخافا
خفثن	خفثن	تخفن	تخفن	خفن	لن تخفن	لم تخفن
خفت	خفت	أخاف	أخاف		لن أخاف	لم أخف
خفنا	خفنا	نخاف	نخاف		لن نخاف	لم نخف

جواب طلب: به فعل مضارع بعد از فعل امر و نهی جواب طلب می‌گوییم، لذا به‌چنین ساختاری نیز ساختار طلب گفته می‌شود. جواب طلب مجزوم است.

نهی / امر + مضارع مجزوم □ أذْرُسُ تَنْجَحُ / إِصْبِرْ تَتَلُ
فعل طلب / جواب طلب فعل طلب / جواب طلب

۱۶؟ فعل مضارع در چه جایگاه‌هایی مجزوم است؟

۱ اگر قبل از آن ادات جزم بیاید. ادات جزم: لَمْ - لَمَّا - لَ - لَا

لَمْ يَذْهَبْ - لَمَّا تَذْهَبَا - لَا تَنْهَضْ - لِيَجْسَلُوا

۲ اگر فعل شرط یا جواب شرط باشد. من يَجْتَهِدُ يُقْزُ.

فعل شرط / جواب شرط
و مجزوم و مجزوم

۳ اگر جواب طلب واقع شود. أَحْسِنِ إِلَى النَّاسِ تَسْتَعْبِدُ قُلُوبَهُمْ.

جواب طلب و مجزوم

سؤال: فعل مضارع به چه صورت‌هایی می‌تواند مجزوم می‌شود؟

۱ اگر آخر آن ضمه (ـُ) باشد، تبدیل به سکون می‌شود (ـَ): يَكْتُبُ □ لَمْ يَكْتُبْ / تَزْرَعُ □ لَا تَزْرَعُ

۲ اگر آخر آن نون اعراب باشد، نون حذف می‌شود: تَفْرَحَانِ □ لَمَّا تَفْرَحَا / يَذْهَبُونَ □ لِيَذْهَبُوا

۳ اگر فعل معتل ناقص باشد، حرف عله‌ی آن حذف می‌شود:

يَرْضَى □ لَمْ يَرْضَ / يَهْدِي □ لَمَّا يَهْدِ / نَدْعُو □ لِنَدْعُ

۴ اگر فعل مضاعف باشد دو حرف آن در هم ادغام شده و مفتوح می‌آیند.

يَشُدُّ □ لِيَشُدُّ (لِيَشُدُّ) / يَمُدُّ □ لَمَّا يَمُدُّ (لَمَّا يَمُدُّ)

۵ فعل مضارع اگر در صیغه‌های ۶ و ۱۲ باشد به‌صورت محلی مجزوم خواهد بود: لَمْ يَذْهَبْنَ، لَمَّا تَذْهَبْنَ

نکات:

• به (لَ - لَمْ - لَمَّا - لَا) ادات جزم یک فعل گفته می‌شود، چون تنها یک فعل را مجزوم می‌کنند.

• به (إِنْ - مَنْ - مَا - أَيْنَمَا - مَتَى) ادات جزم دو فعل گفته می‌شود، چون دو فعل را مجزوم می‌کنند.

• اگر جواب شرط جمله‌ی اسمیه، فعل امر و یا فعل نهی باشد بر سر جواب شرط، فاء جزای شرط می‌آید.

من يَصْبِرُ فَهُوَ نَاجِحٌ / إِنْ تَرَ عَلِيًّا فَسَلِّمْ عَلَيْهِ

جواب شرط

جواب شرط، جمله اسمیه محلاً مجزوم

• فاء جزائیه، غیرعامل و مبنی بر فتح می‌باشد.

• اگر فعل شرط یا جواب شرط یا هر دو، ماضی باشند، محلاً مجزوم هستند و آخرشان تغییر نمی‌کند.

من جَدَّ وَجَدَّ / مَا عَلِمَ الْإِنْسَانُ خَلْقَهُ اللَّهُ

فعل شرط / جواب شرط

فعل شرط / جواب شرط

و محلاً مجزوم

و محلاً مجزوم

فعل شرط / جواب شرط

و محلاً مجزوم و محلاً مجزوم

• از میان ادات شرط «إِنْ» حرف است و بقیه اسم می‌باشند.



• «أَيْنَمَا» و «مَتَى» همیشه نقش مفعول فیه دارند.

مَتَى جَاءَ عَلِيٌّ فَازْهَبْ / أَيْنَمَا تَذْهَبْ أَذْهَبْ

مفعول فیه فعل شرط جواب شرط مفعول فیه فعل شرط جواب شرط

• «لَمَّا» اگر قبل از فعل مضارع باشد از ادات جازمه است ولی اگر قبل از فعل ماضی بیاید مفعول فیه و محلاً منصوب می باشد.

لَمَّا يَذْهَبُ عَلِيٌّ. («لَمَّا» قبل از مضارع آمده و از ادات جازمه است.)

لَمَّا جَاءَ مُحَمَّدٌ ذَهَبْتُ («لَمَّا» قبل از ماضی آمده و مفعول فیه است.)

• به «ل» جازمه، لام امر غایب گفته می شود؛ یعنی فقط قبل از صیغه های غایب و متکلم می آید. (قبل از صیغه های مخاطب نمی آید.)

لَيْكُتُبْ - لَتَتَكَلَّمْ - لَاذْهَبْ ❑ درست است.

یا عَلِيٌّ لَتَنْجَحْ. (نادرست است، چون لام امر غایب قبل از فعل مخاطب نمی آید.)

• انواع «ل»:

۱ جازه: قبل از اسم می آید و جار و مجرور می سازد. ❑ لِمَعْلَمٍ

۲ ناصبه: غالباً وسط جمله / بیانگر علت انجام کار / معنای «برای این که» دارد. ❑ فَتَحْتُ الْبَابَ لِأَزِي

۳ جازمه: ابتدای جمله بر سر صیغه های غایب یا متکلم معنای «باید» دارد. ❑ لِيَرْضَ النَّاسَ ...

• حرف «ل» در افعالی که با «فَل» شروع می شوند، غالباً از نوع جازمه است. ❑ فليذهب

• حرف «ل» در اسم هایی که با «لِل...» شروع می شوند، جازه است. ❑ لِلْإِعْرَابِ / لِلْمَدْرَسَةِ

سؤال: معمولاً در تشخیص و پیدا کردن جملات شرطی دچار اشتباه می شوم، چگونه می توانم جملات شرطی را پیدا کنم؟

پاسخ: هر جمله ی شرطی تنها در یکی از دو فرمول زیر می آید:

۱ ادات شرط + فعل + فعل ۲ ادات شرط + فعل + ف + جمله ی جدید

سؤال های چهارگزینه ای

(انسانی ۹۱)

۱- عَيْنَ فِعْلِ الشَّرْطِ مَجْزُومًا مَحَلًّا:

(۱) إن يقع شك في قلب الناس بالنسبة إليك، فدافع عن نفسك بالتوضيح!

(۲) إن تر نفسك يوماً غارقاً في القساوة، فامسح يدك على رأس يتييم!

(۳) إن تدعك قدرتك على الظلم بالناس فلا تنس أن الله هو الأقدرا!

(۴) إن وجدوك غاضباً فلن يواجهوك بما يرضيك!

(انسانی ۹۰)

۲- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنْ أَدْوَاتِ الشَّرْطِ:

(۱) من هدب نفسه فهو يقدر أن يهدب غيره و يؤثر على الآخرين!

(۲) متي تتب من المعاصي تبدأ في حياتك صفحة جديدة بيضاء!

(۳) متي يشرق نورالله في قلب من هو غارق في بحر الهمجية!

(۴) ما قرأت من هذه المقالة العربية فانقله إلي الفارسية!

(سپهش ۸۴)

۴۹- عَيْن «مَنْ» یمكن أن تكون جازمة:

- (۱) من كان الذي دعاك إلي أعمال حسنة؟
- (۲) شاهدت من ساعد المساكين و الفقراء في حفلة.
- (۳) من اجتهد في انتصار المسلمين ينصره الله.
- (۴) إنَّ العاقل من يعتمد على الأعمال لا على الأقوال.

۵۰- عَيْن الجواب الذي لا يجب اقترانه مع الفاء:

- (۱) مَنْ يتجنب الشرّ فهو خيرٌ له!
- (۲) إنْ تَمْدَحْ إنساناً بغير ما فيه فلا تنتظر منه خيراً!
- (۳) متي تُصلح سريرتك فأخسِن إليك!
- (۴) مهما يُنعم الله علينا فنحن نشكره!

۵۱- عَيْن الصحيح عن اعراب المضارع:

- (۱) لِيَقْلُ الْمُؤْمِنُ الْحَقَّ: مجزوم بحذف العلة (۲) عَلَيْكُمْ أَلَّا تَطْلُبُوا الدُّلَّ: مجزوم بحذف النون
- (۳) لَنْ تَأْتِيَ الزَّمِيلَةَ الْمَرِيضَةَ: منصوب بالفتحة (۴) حَاوِلَنْ لَكَي يَنْجِحَنَّ: منصوب بالفتحة

۵۲- عَيْن العبارة التي يكون فيها اعراب المضارع من نوع واحد:

- (۱) تَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى تَنْتَصِرُوا. (۲) اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ أَنْ تَدْخُلَنِي الْجَنَّةَ.
- (۳) الدَّهْرُ يُخْلِقُ الأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الأَمَالَ. (۴) يَأْمُرُ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَتَّعَاوَنُوا.

پاسخ نامه‌ی تشریحی



- ۱- گزینه‌ی «۴» «وجدوا» فعل شرط و ماضی است که محلاً مجزوم می‌باشد، در سایر گزینه‌ها فعل شرط، مضارع بوده و فاقد اعراب محلی است.
- ۲- گزینه‌ی «۳» «متی» در این عبارت اسم استفهام است و بعد از آن هم دو فعل نیامده. (چه وقت نور خداوند در قلب کسی که در دریای توحش غرق شده است می‌تابد؟) در سایر گزینه‌ها «من»، «متی» و «ما» ادات شرط هستند و بعد از آن‌ها دو فعل آمده است.
- ۳- گزینه‌ی «۲» «ما» اسم شرط، «یفکر» فعل شرط و «یسطر» جواب شرط است. در گزینه‌ی (۱) «ما» تعجیبیه و در گزینه‌های (۳) و (۴) «ما» نافییه است.
- ۴- گزینه‌ی «۲» جواب شرط در این گزینه باید به صورت «یر» (با حذف حرف عله) باشد.
- ۵- گزینه‌ی «۳» «لم» از ادات جازم است و در این عبارت فعل مضارع منصوب وجود ندارد.
- ۶- گزینه‌ی «۲» «لِ» در این عبارت ناصبه است که برای تأکید بیش‌تر به همراه فعل خود، اول جمله آمده است، (برای این که خودم را از خشم دور کنم بسیار تلاش کردم) در سایر گزینه‌ها «لِ» جازمه است.
- ۷- گزینه‌ی «۱» «ما» در این گزینه از نوع شرطیه است که از ادات جازمه می‌باشد. در گزینه‌های (۲) و (۳) «ما» نافییه و در گزینه‌ی (۴) «ما» استفهام است.
- ۸- گزینه‌ی «۳» فعل شرط و جواب شرط حتی اگر به صورت ماضی باشند به ترتیب دارای معنای مضارع التزامی و اخباری هستند.
- ۹- گزینه‌ی «۲» در گزینه‌ی (۲) «هَوْنِي» فعل امر، «لا تحزنی»، فعل نهی و «تأکدی» فعل امر هستند.



- در جمله نقشی ندارد. (لا محلّ للإعراب)
- این ضمیر باید در صیغه با مبتدا مطابقت نماید.
- به این علت می‌آید که مبتدا و خبر را با موصوف و صفت اشتباه نگیریم.

النَّبِيُّ هُوَ الْعَالِمُ - النَّاسُ هُمُ الْفُقَرَاءُ - الْأَخْلَاقُ هِيَ سِرُّ النَّجَاحِ
ضمیر فصل ضمیر فصل ضمیر فصل

سؤال: آیا فاعل و مفعول به هم می‌توانند مقدم شوند؟ به چه صورت؟



فاعل بر فعل ❑ ممکن نیست.



موارد تقدیم خبر بر مبتدا:

۱ اگر مبتدا نکره باشد و خبر از نوع شبه جمله، خبر بر مبتدا مقدم می‌شود.

فِي الْبَيْتِ رَجُلٌ. هُنَاكَ أَسْرَارٌ.
خبر مقدم مبتدای مؤخر خبر مقدم مبتدای مؤخر

۲ اگر خبر اسم استفهام باشد، بر مبتدا مقدم می‌شود.

كَيْفَ حَالُكَ؟ مَنْ هُوَ؟ أَيْنَ الدَّارُ؟
خبر مقدم مبتدای مؤخر خبر مقدم مبتدای مؤخر خبر مقدم مبتدای مؤخر

۳ مبتدا دارای ضمیری باشد که مرجع آن خبر است.

فِي الدَّارِ صَاحِبُهَا
خبر مبتدای مرجع آن
مقدم مؤخر «الدار» است.

خبر مفرد اگر مشتق (از نوع اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه) باشد باید در جنس و عدد با مبتدا مطابقت نماید.



النِّسَاءُ مَجْتَهِدَاتٌ / الْعِلْمُ مَفِيدٌ / الْعَالِمَانِ صَالِحَانِ / الْمَدَارِسُ جَمِيلَةٌ / الْمَعْلَمَةُ مُؤَمِّنَةٌ / هَاتَانِ مُسْلِمَتَانِ
أَمَّا إِنْ خَبِرَ جَامِدٌ وَ يَأْسِمُ زَمَانٌ وَ مَكَانٌ بِشَيْءٍ فَهُوَ بِمِطَابَقَتِهِ لَا يَجُوزُ.
المدرسة مشعل الهداية / الصمت زينة / الأخلاق الحسنة رأس الإيمان / الأم محفل الأدب.

۱. منظور از اسم‌های صدارت طلب، اسم‌هایی هستند که فقط در اول جمله می‌آیند، مانند اسم‌های استفهام و اسم‌های شرط.

(انسائی ۸۱)

۱۲- عین العبارة التي لا يوجد فيها المفعول به:

- (۱) إحسانك المساكين سببٌ لحصولك على أمنيّاتك.
- (۲) نفسك و التكاثر، فإنه من أسباب الفشل!
- (۳) الدافع مضرّات الكسل يصل إلي أبواب النجاح.
- (۴) المجاهد في سبيل المجد يصل إليه و إن كان بعيد المثل!

(رياضی ۸۹)

۱۳- عین ما فيه مفعول به واحد:

- (۱) يجعل الصبيّ صياحه أسلحةً للحصول على مطلوبه!
- (۲) إنّما أعطي الله الإنسان عقلاً يفكر به!
- (۳) جعل الله درجة عباده من أفضل الدرجات!
- (۴) قد يُعطيكم الله ولداً صالحاً رزقاً لكم!

(زبان ۹۱)

۱۴- عین الموصول خبراً:

- (۱) لا نينفعنا من العلم إلا ما نستفيد منه و نعمل به في حياتنا اليوميّة!
- (۲) الطالب من اعتقد أنّ التعلم جزء من وجوده فلا ينفصل منه أبداً!
- (۳) المؤمن لا يُبطل ما أنفقه في سبيل الله بالمنّ و الأذى، فإن عمل فقد ضيّع جزاءه!
- (۴) من المعلمين من يضحي نفسه ليبني بناء المجتمع ربيعاً محكماً، و هو لا يتعب في هذا الطريق!

(هنر ۹۱)

۱۵- عین «ما» مرفوعاً:

- (۱) ما في يد الله أوثق ممّا في يدك!
- (۲) إن تأمر أحداً بما لا يُطيقه لا يعمل به!
- (۳) ما ظفر من ظفرت عليه المعصية!
- (۴) رسمت ما تحبّون من التصوير على الجدار!

(هنر ۹۰)

۱۶- عین الموصول منصوباً:

- (۱) أحبّ من عزم على الأمور القيّمة و سعي فيها حتّي وصل إلي مقاصده!
- (۲) تُقصرّ آمال من دلّه عقله على طريقه، فإنه قد جعل العقل دليل طريقه!
- (۳) من الناس من يعتقد أنّ الاشتغال بالدرس و البحث عمل لا ضرورة له!
- (۴) هناك من يقدر أعماله خالصةً لله، فهو سينتفع بها يوم القيامة بلا شك!

(فارغ از کشور ۹۰)

۱۷- عین ضمير الفصل:

- (۱) لا تقصر هذه المعلمة في تعليم تلميذاتها ممّا تعرفها هي!
- (۲) هو شاعر ملتزم و أنت لست جديراً بأن تكون مثله في المحافل!
- (۳) الثورة الإسلاميّة هي التي ستنتصر بفضل اتحاد الجماهير في كلّ العالم!
- (۴) على الإنسان أن يخشى هو ربّه و يتّبع أوامره حتّي يغفره في الدنيا و الآخرة!

(فارغ از کشور ۹۰)

۱۸- عین ما ليس فيه أسلوب التحذير:

- (۱) نفسك و ذكر كلام لا يرفع شأنك!
- (۲) إياك و الكذب في جميع لحظات حياتك!
- (۳) أخاك أخاك، عليك بمساعدته في كلّ الأحوال!
- (۴) الكذب الكذب، فإنه أكثر العيوب ضرراً للإنسان!



مواردی که عامل آن‌ها محذوف است: ۱- اغراء ۲- تحذیر ۳- مفعول مطلق برای فعل محذوف

- ۸- گزینه‌ی «۲» «ما» خبر و مرفوع محلاً می‌باشد. در گزینه‌ی (۱) «من» مفعول به و منصوب، در گزینه‌ی (۳) «ما» مجرور به حرف جر و در گزینه‌ی (۴) «من» مضاف الیه و مجرور است.
- ۹- گزینه‌ی «۳» «إِيَّاكَ» مفعول به مقدم برای فعل «انادی» است. در گزینه‌ی (۱) «إِيَّاكَ وَ الْحَسَدَ»، در گزینه‌ی (۲) «المعاصی المعاصی» و در گزینه‌ی (۴) «نفسک و الخوف» اسلوب تحذیر است.
- ۱۰- گزینه‌ی «۳» «هم» ضمیر فصل است که بین مبتدا (اولئک) و خبر (الذین) آمده است، در گزینه‌ی (۱) «أَنْتُنَّ» مبتدا و مرفوع است. در گزینه‌های (۲) و (۴) نیز «نحن» و «أنتم» تأکید هستند.
- ۱۱- گزینه‌ی «۴» «کثیراً» مفعول مطلق است که برای فعل خود (عامل خود) «إِجْتَهَدَ» آمده است. در گزینه‌های (۱) و (۳) اسلوب اغراء به کار رفته و در گزینه‌ی (۲) «قراءة» مفعول مطلق برای فعل محذوف است که عامل آن‌ها محذوف می‌باشد.
- ۱۲- گزینه‌ی «۴» «بعید» خبر «کان» است.
- در گزینه‌ی (۱) «المساکین» مفعول برای «إحسان» است، در گزینه‌ی (۲) «نفس» و «التکاسل» مفعول به برای فعل محذوف‌اند (اسلوب تحذیر)، و در گزینه‌ی (۳) «مضرات» مفعول به برای شبه فعل «الدافع» است.
- ۱۳- گزینه‌ی «۳» «الله» فاعل، «درجته» مفعول به و «عباد» مضاف الیه است. در گزینه‌ی (۱) «صياح» مفعول به اول و «أسلحة» مفعول به دوم است، در گزینه‌ی (۲) «الإنسان» مفعول به اول و «عقلاً» مفعول به دوم است و در گزینه‌ی (۴) «کم» مفعول به اول و «ولدا» مفعول به دوم است.
- ۱۴- گزینه‌ی «۲» «الطالب» مبتدا و «من» خبر مفرد و محلاً مرفوع می‌باشد.
- بررسی سایر گزینه‌ها: (۱): «ما» مستثنای مفرغ و مرفوع به اعراب فاعل است. (۳): «ما» مفعول به و منصوب محلاً می‌باشد. (۴): «من» مبتدای مؤخر و مرفوع محلاً می‌باشد.
- ۱۵- گزینه‌ی «۱» «ما» مبتدا و مرفوع محلاً می‌باشد.
- بررسی سایر گزینه‌ها: (۲): «ما» مجرور به حرف جر است. (۳): «ما» حرف نفی است و اعرابی ندارد. (۴): «ما» مفعول به و منصوب محلاً می‌باشد.
- ۱۶- گزینه‌ی «۱» «من» مفعول به و منصوب محلاً برای «أحِبُّ» است. در گزینه‌ی (۲) «من» مضاف الیه و مجرور است، در گزینه‌های (۳) و (۴) «من» مبتدای مؤخر و مرفوع است.
- ۱۷- گزینه‌ی «۳» «هی» ضمیر فصل است که بین «الثورة» و «التی» آمده است.
- در گزینه‌ی (۱) «هی» ضمیر منفصل مرفوع بعد از فعل و تأکید است. در گزینه‌ی (۲) «هو» و «أنت» مبتدا هستند. در گزینه‌ی (۴) «هو» ضمیر منفصل مرفوع بعد از فعل و تأکید است.
- ۱۸- گزینه‌ی «۳» در این عبارت اسلوب اغراء به کار رفته است. (برادرت را دریاب! باید در تمام حالات به او کمک کنی.)
- ۱۹- گزینه‌ی «۱» «إِيَّاكَ» مفعول به مقدم برای فعل «نعبدُ» است و اسلوب تحذیر وجود ندارد.
- ۲۰- گزینه‌ی «۲» «الغیظُ» مفعول به برای «الکاظمین» است که مشتق و اسم فاعل است. در گزینه‌ی (۱) «نفس» مفعول به برای «موعظة» (جامد) است، در گزینه‌ی (۳) «رب» مفعول به برای «دعاء» (جامد) است و در گزینه‌ی (۴) «الصدق» مفعول به برای فعل محذوف است.
- ۲۱- گزینه‌ی «۳» «صدر» فاعل و «الأم» مجرور به حرف جر است. در گزینه‌ی (۱) «إِيَّاكَ» و «معاشره» مفعول به برای فعل محذوف هستند (اسلوب تحذیر)، در گزینه‌ی (۲) «ما» مفعول به برای «شرح» است و در گزینه‌ی (۴) «استماع» مفعول به (متعجب منه) می‌باشد.
- ۲۲- گزینه‌ی «۲» در این عبارت پنج اسم منصوب وجود دارد: «الله» اسم «إِنَّ»، «السموات» مفعول به،

در بخش نواسخ سه
دسته سؤالات بسیار
رایج هستند:



- ۱- شناخت افعال مقاربه و کاربرد آن‌ها
- ۲- یافتن لای نفی جنس و کاربرد نکات آن
- ۳- یافتن عبارت صحیح دربارهی افعال ناقصه و حروف مشبّهة بالفعل

نواسخ

نواسخ: بر سر جمله‌ی اسمیه وارد می‌شوند و تغییراتی را در آن به وجود می‌آورند و به چهار دسته تقسیم می‌شوند.

الف) افعال ناقصه: «کان، صار، لیس، اُصْبَحَ، مادام (تا زمانی که)، مازال (پیوسته)، ظَلَّ (مانند)» اسم آن‌ها مرفوع و مانند فاعل سه نوع است:

۱ اسم ظاهر: کان الله عالماً.

۲ ضمیر بارز: المؤمنون لیسوا من الفاسدین.

۳ ضمیر مستتر: کُن مؤمناً. («أنت» مستتر در «کُن»)

خبر آن‌ها منصوب و بر سه نوع است:

۱ مفرد: صار الجوُّ بارداً.

۲ جمله: فعلیه □ المعلم یضحک.
اسمیه □ کان المؤمن خلقه حسن.

۳ شبه جمله: جار و مجرور □ لیس علی فی الصف.
ظرف □ کنت هناک.

اگر اسم افعال ناقصه از نوع اسم ظاهر و نکره و خبر افعال ناقصه از نوع شبه جمله باشد خبر آن بر اسم مقدم می‌شود. کان فی البیت رجل / لیس هناک جندی
خبر مقدم اسم مؤخر خبر مقدم اسم مؤخر

ب) افعال مقاربه: «کاد - أوشک - عسی - بدأ - شرع - جعل - أخذ» اسم آن‌ها مرفوع است:

• اسم ظاهر: جعل الطفل یبکی.
اسم خبر

• ضمیر بارز: التلاميذ کادوا یذهبون.
اسم خبر

• ضمیر مستتر: علی عسی یشفی. («هو» مستتر در «عسی»: اسم)
خبر

خبر آن‌ها منصوب است و فقط از نوع جمله‌ی فعلیه با فعل مضارع همراه می‌باشد، لذا محلاً منصوب است. (به خبر در مثال‌های بالا دقت کنید.)





نکات:

۱ افعال مقاربه همیشه به صورت ماضی می آیند، به جز «کاد» و «أوشک» که صورت مضارع آن (یعنی «یکاد» و «یوشک») نیز به کار می رود.

۲ افعال مقاربه از نظر معنا و کاربرد به سه دسته ی زیر تقسیم می شوند:

• قرب: کاد - أوشک (نزدیک بودن عمل را مطرح می کنند).

• رجاء (امید): عسی (امید انجام گرفتن کاری را بیان می کند).

• شروع: بدأ - أخذ - جعل - شرع (بر شروع کاری دلالت دارند).

ج) حروف مشبّهة بالفعل: إن (همانا) - أن (که) - لیت (ای کاش) - لعل (شاید) - لکن (ولی) - كأن (گویا)

اسم ظاهر □ إن الله کریم.

• اسم آن ها منصوب است.] ضمیر متصل □ کأنکم صامتون فی الصف.

مفرد □ لیت علیاً قوی.

فعلیه □ إن الله یغفر الناس.

اسمیه □ کأن المعلم لباسه جمیل.

جار و مجرور □ لعل الناس فی السوق.

شبه جمله] ظرف □ إنا هناک.

مای کافه:

• به انتهای حروف مشبّهة بالفعل اضافه می شود و آن ها را از عمل باز می دارد.

إنما علی عالم / کأنما المعلم یعلم
مبتدا خبر / مبتدا خبر

• اگر «ما» ی کافه حروف مشبّهة بالفعل را از عمل باز دارد، دیگر آن حرف را جزء نواسخ نمی دانیم.
إنما المعلم صابر. (جمله ی اسمیه)

• اگر اسم حروف مشبّهة بالفعل نکره باشد و خبر آن شبه جمله، خبر بر اسم مقدم می شود.

إن فی المسجد رسولاً / لیت عندی درهماً
خبر مقدم اسم مؤخر / خبر مقدم اسم مؤخر

• فقط در موارد زیر از «إن» استفاده می کنیم:

۱ اگر اول جمله باشد □ إتی عبد.

۲ بعد از «قال» و مشتقات آن □ قال الإمام: إن الله معنا

۳ بعد از منادا □ یا علی! إنا مسلمون

در سایر موارد از «أن» استفاده می کنیم.

علمت أنه عالم / فهم المعلم أن الطالب قد مرض.

د) لای نفی جنس: اسم آن مبنی بر فتح (محللاً منصوب) و خبر آن مرفوع است.

• اسم آن فقط از نوع «اسم ظاهر» است □ لا إکراه فی الدین.

١٢- «فكيف نرى الشمس ... فى ... مختلفة من ... و لا نؤمن برَبنا...؟!» عَيْن الصحيح للفراغات: (١٢٥٨)

- (١) المضيئة/ مناطق/ العالم/ الرحيم
(٢) المنيرة/ مناطق/ عالم/ رحيم
(٣) المضيء/ المناطق/ عالماً/ الرحيم
(٤) المنير/ المناطق/ العالم/ رحيم

(هلا ٩٠)

١٣- عَيْن العدد ليس نعتاً:

- (١) بدأت اليوم بمطالعة مقالة أستاذي الثانية بدقة كثيرة!
(٢) زُرنا فى اليوم الثاني من سفرنا ساحة «نقش جهان»!
(٣) وجدت زميلتي فى البيت الثاني من شعري خطأ مشهوداً!
(٤) سافرت مع أخي ثانية إلي أصفهان فى أواخر الأسبوع!

(هلا ٨٧)

١٤- عَيْن العدد غير صفة:

- (١) نبدأ دروسنا فى اليوم الأول من فصل الخريف!
(٢) و فى كل أسبوعين إثنين نقراء خمسة دروس!
(٣) و فى الأسبوع السابع فصل إلي الثامن!
(٤) أما الدرس العاشر فنقرأه فى الأسبوع الثاني عشر!

(هلا ٩٦)

١٥- عَيْن ما ليس فيه الوصف:

- (١) على الإنسان أن يقوم هو بواجباته الدينية حتى تُقبل منه!
(٢) إن استعمال الأملاح كثيراً فى الطعام ليس مفيداً لجسم الإنسان!
(٣) سافر العلماء المسلمون لاكتشافات علمية إلى أقصى الأرض!
(٤) بعد نزول الأمطار الكثيرة أصبحت السماء نظيفة فظهرت ظاهرة قوس قزح!

(هلا ٨٩)

١٦- عَيْن ما ليس فيه نعت:

- (١) حكّت لنا جدتي حكاية ما سمعناها، عن كيفية دراسة النساء فى الماضي!
(٢) وقرت الأسرة لأولادها الصغار ما يحتاجون إليه حتى يدرسوا!
(٣) أصبحت المصافحة بالأيدي عملاً شائعاً بين الأصدقاء!
(٤) التلاميذ يصلون إلي مدارسهم مبكرين كل يوم!

(سليمش ٩٦)

١٧- عَيْن ما ليس فيه نعت:

- (١) أيها الطالب؛ يمكنك أن تكتسب الكثير من المعلومات عن طريق الاستماع!
(٢) قد ظهر فى هذا العصر الذهبي أسماء كثيرة لعلماء كبار من المسلمين!
(٣) كان المجتمع أكثر تشجيعاً للتعليم والدراسة و يدعو الناس إليهما!
(٤) يستمتع الناس بشرب الشاي الساخن فى كل مكان من العالم!

(سليمش ٩١)

١٨- عَيْن ما ليس فيه نعت:

- (١) رأيت المديرية تبحث عن تلميذة تجتهد فى أداء واجباتها!
(٢) أذكر إخوانك الصالحين فى الدعاء حتى يُستجاب الدعاء لك!
(٣) نحب أن نجلس تحت شجرة ظلّها لطيف و نقضي أوقات فراغتنا!
(٤) طهران أكبر من سائر مدن بلاد إيران و ليس لها نظير فى الواسعة!



- ۱- گزینه‌ی «۴» در گزینه‌ی (۱) «قاطع» صفت برای «سیف» است. در گزینه‌ی (۲) «یقرب» جمله‌ی وصفی برای «شیء» است. در گزینه‌ی (۳) «الرقیق» صفت برای «الهواء» است.
- ۲- گزینه‌ی «۴» «حفلة» اسم نکره‌ای است که جمله‌ی «لن أنساها...» آن را توصیف می‌کند، لذا جمله‌ی وصفیه می‌باشد.
- ۳- گزینه‌ی «۴» «منتجات» مفعول به و منصوب با کسره است، پس صفت آن هم منصوب خواهد بود. «منتجاتنا الوطنية» (فرآورده‌های وطنی ما)، در گزینه‌ی (۱) «الكبيرة» صفت برای «الناقلات» و مجرور است. در گزینه‌ی (۲) «الربيعية» صفت برای «الأشجار» (مضاف‌الیه) و مجرور است و در گزینه‌ی (۳) «الدراسية» صفت برای «فئات» (مضاف‌الیه) و مجرور است.
- ۴- گزینه‌ی «۱» «الذین» خبر و «لا یستسلمون» جمله‌ی صله است. در گزینه‌ی (۲) «الجميلة» صفت برای «طبيعة» و «النادرة» صفت برای «المنماذج» است. در گزینه‌ی (۳) «لم نلتفت...» صفت برای «صورة» است و در گزینه‌ی (۴) «لم یستطع...» صفت برای «مسألة» است.
- ۵- گزینه‌ی «۴» «سالمة» حال مفرد است نه صفت. در گزینه‌ی (۱) «سیارة» موصوف و «تذهب» جمله‌ی وصفیه، در گزینه‌ی (۲) «سرعة» موصوف و «لا توصف» جمله‌ی وصفیه و در گزینه‌ی (۳) «طریقاً» موصوف و «یخلو» جمله‌ی وصفیه‌ی آن می‌باشد.
- ۶- گزینه‌ی «۴» در گزینه‌ی (۱) «عطشان» صفت برای «رجل»، در گزینه‌ی (۲) «سهلاً» صفت برای «وصولاً» و در گزینه‌ی (۳) «المحب» صفت برای «الإنسان» است.
- ۷- گزینه‌ی «۴» «فوائد» اسم نکره‌ای است که جمله‌ی «یجب علینا...» آن را توصیف می‌کند.
- ۸- گزینه‌ی «۲» عبارت «تُکنز فیه...» جمله‌ی وصفیه است که درباره‌ی اسم نکره‌ی «غذاء» توضیح می‌دهد.
- ۹- گزینه‌ی «۴» «أخلاقاً» اسم نکره‌ای است که جمله‌ی «وهبها الله» آن را توصیف می‌کند، لذا صفت از نوع جمله‌ی وصفیه می‌باشد. هم‌چنین «حَسَنَةً» صفت از نوع مفرد است. در گزینه‌ی (۲) چون قبل از «تَغَيَّرت...» حرف «ف» آمده نمی‌توان این عبارت را به‌عنوان صفت در نظر گرفت، چون قبل از جمله‌ی وصفیه حرف «ف» نمی‌آید.
- ۱۰- گزینه‌ی «۳» «الواحدة» صفت برای «الید» است. در سایر گزینه‌ها «إثنين»، «واحداً» و «العاشرة» معدود نپذیرفته‌اند، لذا نمی‌توانند صفت باشند. («ثلاثة» در گزینه‌ی (۲) از اعداد اصلی است.)
- ۱۱- گزینه‌ی «۴» «لحظة» موصوف و «أنتظرها» صفت برای آن است از نوع جمله در سایر عبارات «الأغنياء»، «المُرّة» (تلخ) و «العريضة» همگی صفت مفرداند.
- ۱۲- گزینه‌ی «۱» صورت صحیح عبارت: «نرى الشمس المضيئة في مناطق مختلفة من العالم و لا نُؤمن برَبِّنا الرحيم» / «المضيئة» صفت برای «الشمس» که مؤنث است، می‌باشد، «مختلفة» صفت برای «مناطق» است که مجرور با اعراب اصلی می‌باشد، «الرحيم» هم صفت برای «رَبِّ» می‌باشد.
- ۱۳- گزینه‌ی «۴» «ثانية» معدود ندارد، لذا نمی‌تواند صفت باشد. در گزینه‌ی (۱) «مقالة» موصوف و «الثانية» صفت است (مقاله‌ی دوم استادم)، در گزینه‌ی (۲) «اليوم» موصوف و «الثاني» صفت است و در گزینه‌ی (۳) «البيت» موصوف و «الثاني» صفت می‌باشد.

اغراء و تحذیر: در ترجمه‌ی این اسلوب باید از ترجمه‌ی تحت اللفظی اجتناب کنید و با توجه به ساختار، آن را ترجمه کنید و سعی کنید مفهوم را برسانید.

إيّاك و الكذب: ۱- دروغ نگو! ۲- از دروغ گفتن بر حذر باش! ۳- تو را از دروغ گفتن بر حذر می‌دارم!
تحذیر

الجار: ۱- همسایه را دریاب! ۲- به همسایه توجه کن! ۳- همسایه را داشته باش!
اغراء

الصدق و الأمانة: ۱- راست گو و امانت‌دار باش! ۲- پایبند راستگویی و امانت‌داری باش!
اغراء

اسلوب تعجب: برای ترجمه‌ی این ساختار از کلماتی مانند «چقدر، چه، عجب و ...» استفاده می‌کنیم. ما أَجْمَلُ الحیوان: ۱- حیوان چقدر زیبا است. ۲- حیوان چه زیبا است. ۳- حیوان عجب زیباست. لله دَرُّهُ كَاتِبًا: ۱- چه نویسنده‌ای است. ۲- عجب نویسنده‌ای است.

مفعول فیه: در ترجمه‌ی آن از کلمه‌ی (در) استفاده می‌کنیم. البته بسیاری مواقع هم از «در» استفاده نمی‌کنیم. أَكَلْتُ الطَّعَامَ صَبَاحًا: در صبح غذا خوردم. / رَأَيْتُ النَّاسَ لَيْلًا: مردم را در شب دیدم. صَبَرْتُ لِحِظَةٍ: لحظه‌ای صبر کردم.

ابواب هشتگانه:

إفعال و تفعیل: معمولاً فعل‌های لازم را تبدیل به فعل متعدی می‌کنند.

ذَهَبَ: رفت (لازم) □ أَذْهَبَ: برد (متعدی) / فَرِحَ: شاد شد □ فَرِحَ: شاد کرد (کسی را)
استفعال: برای طلب و درخواست انجام کاری استفاده می‌شود (معمولاً متعدی است).
إستغفر الله: از خدا طلب آمرزش کرد. / إستعلم المعلم: از معلم طلب علم کرد.

افتعال، تفعّل، انفعال: بر مطاوعه (تأثیرپذیری) دلالت دارند.

تَأَدَّبَ: مؤدب شد / إنكسر: شکست / إنتقل: منتقل شد

گاهی فعل‌های باب «إفعال» لازم هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

أفْلَحَ: رستگار شد / أزهَرَ: شکوفه داد / أفاق: بیدار شد / أسرع: شتافت

باب «انفعال» حتماً لازم است، باب «تفعّل» غالباً لازم است و باب «افتعال» گاه لازم و گاه متعدی است.

تفاعل: بر همکاری دلالت دارد و در ترجمه‌ی آن از کلمه‌های «با هم‌دیگر، با یک‌دیگر» استفاده می‌کنیم (معمولاً لازم است).

تعاون الناس: مردم با هم‌دیگر همکاری کردند. / تقاتل الأعداء: دشمنان با هم جنگیدند.

مفاعلة: در ترجمه‌ی آن از «با» استفاده می‌کنیم. (معمولاً متعدی است).

كاتب علي سعيداً: علی با سعید نامه‌نگاری کرد. / شاور الحاكم الناس: حاکم با مردم مشورت کرد.

سایر نکات:

❶ اگر یک اسم هم صفت و هم مضاف‌الیه داشته باشد در عربی ابتدا مضاف‌الیه می‌آید و سپس صفت

آن، ولی در ترجمه ابتدا صفت را می‌آوریم و سپس مضاف‌الیه را.





استثنا

- ⊕ تامّ جمله‌ی قبل از «إِلَّا» کامل است (اعراب). ⊕ منصوب می‌باشد.
- ⊕ متصل مستثنی از جنس مستثنی منه است. ⊕ جاء التلاميذ إلا علياً.
- ⊕ منقطع مستثنی از جنس مستثنی منه نیست. ⊕ جاءت المعلمات إلا معلماً.
- ⊕ مفرغ جمله‌ی قبل از «إِلَّا» کامل نیست (اعراب). ⊕ آن چه که جمله نیاز دارد.
- ⊕ ما جاء إلا عليّ.

مستثنای مفرغ و مرفوع به اعراب فاعل

از نواسخ

- ⊕ خبر افعال ناقصه ⊕ كان الله عالماً، كنت تذهب، كُنّا في الصفّ.
- ⊕ خبر افعال مقاربه ⊕ كاد عليّ يذهب، عسى الله أن يعفونا.
- ⊕ اسم حروف مشبّهة بالفعل ⊕ إنَّ الله غفارٌ، إنك وهابٌ.
- ⊕ اسم لای نفی جنس ⊕ لا معلّم في هذا الدرس، لا رجلٌ.

توابع

صفت

- ⊕ مفرد (مطابق در جنس، عدد، اعراب، معرفه و نکره بودن) ⊕ رجلٌ قويٌّ
- ⊕ جمله‌ی وصفیه ⊕ یک جمله بعد از یک اسم نکره آمده و درباره‌ی آن توضیح می‌دهد.
- ⊕ هذا رجلٌ يذهب.

- ⊕ بدل کلمه‌ای است که درباره‌ی کلمه‌ی دیگر توضیح واضح‌تری می‌دهد. ⊕ هذا أخوك عليّ.
- ⊕ معطوف کلمه‌ای با حروف عطف (وَ، فَ، ثُمَّ، أَمْ، بَلْ، لَأَ، أَوْ، لَكِنْ) به کلمه‌ای دیگر عطف می‌شود: جاء عليّ و حسين / أكتب الدرس ثم التمرين.

عطف بیان

- ⊕ اسم جامد «ال» دار بعد از اسم اشاره ⊕ ذلك الكتاب
- ⊕ اسم جامد «ال» دار بعد «أَيّ» و «أَيّة» ⊕ أيها الناس، أيها العين
- ⊕ «ابن» و «بنت» بین دو اسم علم ⊕ موسى ابن مريم، زينب بنت علي

تأکید

لفظی (تکرار)

- ⊕ اسم جاء عليّ عليّ
- ⊕ فعل عليّ جاء جاء
- ⊕ حرف لا، لا، أنا هنا

معنوی

- ⊕ «كَلَّ» + ضمیر (که مرجع آن قبل از آن آمده باشد). ⊕ رأيتُ العلماء كلَّهم.

مجرورات

مجرور به حرف جرّ

- ⊕ حروف جازه + اسم ⊕ في الصفّ
- ⊕ حروف جازه + ضمیر ⊕ فيه

مضاف اليه

- ⊕ اسم + اسم ⊕ كتاب المعلم
- ⊕ اسم + ضمیر ⊕ كتابنا